

کامفیروز

دیروز و امروز

تاریخچه‌ی روستاهای کامفیروز

سید محمدرضا علوی

انتشارات گلپای بهشت / ۱۳۸۴



انتشارات گلهای بهشت

کامفیروز دیروز و امروز

تاریخچه‌ی روستاهای کامفیروز

ناشر: انتشارات گلهای بهشت

مؤلف: سید محمد رضا علوی (بنیاد پژوهش‌های علوم انسانی)
لیتوگرافی: سعیدی * چاپ: زیتون * صحافی: حکیم
نوبت چاپ: اول / بهار ۸۴ * شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
بها: ۳۰۰۰ تومان * تایپ: اقدس و اشرف علوی دیزنگی
طراح جلد و صفحه‌آرا: مرتضی فتح‌اللهی (۰۹۱۳۳۵۱۳۴۵۰)

کلیه‌ی حقوق برای مؤلف محفوظ است

آدرس پست الکترونیک:

E-Mail Haqiqat@Yahoo. Com

قم: صندوق پستی ۳۷۹۵ - ۳۷۱۸۵

تلفن: ۸۸۱۳۸۸۹ - ۰۲۵۱



بزرگان کامفیروز - افراد حاضر در جلسه: ۱- حاج محمدخان خا نیمنی ۲- غلامرضا صادقی بوگر ۳- علی محمددهقان لیرمنجانی ۴- لطفعلی خان معدل ۵- شیرعلی کیانی بکیانی ۶- ملاحیدرقله چنایی ۷- حسن خان قلعه چنایی ۸- سلیمان خان امینی ۹- علیجان باصری ۱۰- ملا محمدعلی صادقی بوگر ۱۱- ملاکیامرت فیروزمهنج آبادی ۱۲- ملاچوپا نعلی علی آبادی... جلسه به مناسبت تشکیل حوزه‌ی سر بازگیری و ایجاد نظم و نسق در کامفیروز برگزار شده است. • بکیان - ۱۳۰۶ (ه. ش.)

بسم الله الرحمن الرحيم

پاس نامه



نویسنده و محقق ارجمند، حجة الاسلام و ائمه السید محمد رضا علوی دیندار،
از بذل توجه و اہتمام حضرت عالی پیشین ہائیں کتاب سال حوزه (۱۳۸۳ ش)
و شرکت در این رقابت علمی کمال امتنان و پاس را داریم.
خداوند را شکر می گزاریم کہ دانش و معارف دینی را، بہارہ از رہگذر
ہمت ہای بلند و متدلس مؤلفان حقیقت جو، یاری کردہ است.
برای شما و ہمہ پویندگان راہ دانش و قلم، آرزوی منفیت ہای بیشتر
و توفیقات افزون تر داریم.

حمید مصطفیٰ شاکرین

پیشین ہائیں کتاب سال حوزه

آنچه هست:

۱۷	پیش گفتار
۲۴	قلعه نو
۳۱	حسین آباد
۳۸	ده کهنه
۴۷	پالنگری
۶۴	بکیان
۱۴۱	خانیمن
۱۸۳	حاجی آباد
۱۸۸	الله مراد خانی
۲۰۰	ده دامچه
۲۰۲	سربست
۲۰۶	چم ریز
۲۰۹	چم سهراب خانی
۲۱۲	چم چنار
۲۱۴	پیر سبز علی
۲۱۷	گرمه
۲۲۴	چم کنگری
۲۲۸	آب ماهی
۲۳۴	باصری هادی

۲۳۸.....	باصری آقا جان.....
۲۵۷.....	خواجه.....
۲۶۱.....	لیر منجان.....
۲۶۷.....	چغا.....
۲۷۲.....	بادامک.....
۲۷۳.....	خرم مکان.....
۲۹۲.....	عباس آباد.....
۲۹۵.....	دژ کردک.....
۲۹۹.....	مشهد بیلو.....
۳۱۵.....	مهبجن آباد.....
۳۳۰.....	متصور آباد.....
۳۳۵.....	منگان.....
۳۳۷.....	جیدرزار.....
۳۴۱.....	علی آباد.....
۳۴۹.....	بیمور.....
۳۶۸.....	آب یاد.....
۳۷۰.....	کربلایی محمد حسینی.....
۳۷۳.....	پلنگی.....
۳۷۷.....	شیر محمدی.....
۳۷۹.....	شول بزی.....
۳۸۱.....	شول بزرگ.....
۳۹۰.....	کله گاه.....
۳۹۲.....	کودین.....
۳۹۵.....	نقش دلاورمردان کامفیروزی در دفاع مقدس.....
۳۹۷.....	شهدای کامفیروز.....

پیش گفتار

تمام عرصه‌های زندگی با سرعت در حال دیگرگونی است، گویا سرعت فکری بشر زیادتر شده است، و عقل او نیز بزرگ‌تر؛ سراسر زوایای زندگی بشر شتاب برداشته است، اکنون دیگر سکون معنی ندارد؛ نمادهای زندگی به سرعت جای خود را به مظاهر نوین می‌سپارد، آن چه امسال رواج دارد، در سال آینده دیگر کهنه است، قدیمی است، جزء تاریخ گذشته است. آهنگ حرکت تاریخ ارتباط مستقیم با سرعت ذهن بشر دارد، یعنی که کارکرد سریع ذهن بشر منتج به سرعت حرکت تاریخ می‌شود؛ چون آن ثبات و سکون ذهنی بشر دیروز دیگر وجود ندارد، بدین لحاظ گذشت زمان سریع‌تر به نظر می‌آید؛ به همان نسبت فرصت‌ها پایدار نیستند، یک لحظه، یک آن و دیگر تمام.

دانشمندان برای دست‌آوردهای تاریخی بشر به طور کلی پنج مرحله شمارش کرده‌اند: ۱ - عصر حجر اول، ۲ - عصر حجر دوم (یا نوسنگی) ۳ - عصر مس و مفرغ، ۴ - عصر فولاد، ۵ - عصر الکترونیک، ماهواره، اینترنت و میکروالکترونیک.

دوران عصر حجر اول بسیار طولانی بود؛ صدها هزار سال را در بر می‌گیرد، یعنی صدها هزار سال طول کشید تا بشر توانست با انجام تغییرات جزئی روی ابزارهای سنگی

رایج خود، عصر حجر اول را پشت سر نهاده، وارد عصر نوسنگی، یا عصر حجر دوم بشود. این دوره فی الواقع ۹۶٪ دوران حیات بشری را شامل می‌شود. عصر حجر جدید ۱۶/۰۰۰ سال را در بر گرفت، معنی این گفته آن است که گذار از مرحله‌ی قبلی مساوی است با کسب دانش و تجربه‌ی بیش‌تر، در نتیجه استفاده‌ی بهینه از عنصر «زمان». در مرحله‌ی بعد وارد عصر مس و مفرغ گردید، آن دوره نیز مدت ۵۰۰۰ سال عمر بشر را به خود اختصاص داد. از حدود ۲۵۰۰ سال قبل به این سو، بشر وارد عصر فولاد گردید و متکی بر آن، تغییرات مهمی در زندگی خود به وجود آورد. از ۱۰۰ سال به این طرف وارد عصرالکترونیک گردید، از ۳۵ سال قبل به این سو وارد عصر ماهواره شد، سوار بر سفینه‌ی فضایی اطراف کره‌ی زمین را دور زده و بر سطح سیاره‌ی ماه فرود آمد که نام آن مرحله را «مدرنیسم» نهاد؛ ۲۰ سالی دیگر طول کشید تا به ابزارهای ارتباطی روزآمد مانند فاکس، موبایل و اینترنت رسید. و نام این مرحله را «پُست مدرنیسم = پسامدرنیسم یا دوران میکروالکترونیک» گذاشت. به این می‌گوییم: «رشد عقول آدمیان، درهم فشرده شدن فضا و زمان، کوتاه شدن فاصله‌ها، کوچک شدن دنیا و بزرگ شدن مغز انسان.»

اکنون رشد مغزی بشر به حدی رسیده است که می‌گویند: «در هر سه سال علم بشر دو برابر می‌شود» این مدت زمان هم چنان رو به تنزل می‌رود... خیلی عجیب است: در ابتدا صدها هزار سال طول تا بشر توانست با انجام تغییرات بسیار جزی، عصر حجر اول را پشت سر نهاده و وارد دوره‌ی نوسنگی شود، اما اکنون «فقط سه سال» از تاریخ بشر می‌تواند با تمام دست آوردهای تاریخی او برابری کند.

داستان زندگی انسان - این مهمان تازه‌وارد بر کره‌ی زمین، و این آخرین حلقه‌ی هستی، به رغم عمر کوتاهش، در پیمانه‌ی حیات - بسیار طولانی، شورانگیز، پر فراز و نشیب و دارای ابهاماتی بی‌پاسخ است. دقیق‌ترین بیان عقیده‌ی پیشرفت انسان در «عصر روشن‌گری» من جمله در آثار «تورگو» اقتصاددان مشهور فرانسوی (۱۷۲۷ - ۱۷۸۱) ظاهر شد. او اظهار کرد که: «مهم‌ترین خصلت انسان استعداد تکاملی او است.» همین خصلت او را از باقی مظاهر طبیعت، اعم از دنیای جانوران و گیاهان ممتاز کرده است. فضای اصلی که در آن قانون پیشرفت ظاهر می‌شود، به عقیده‌ی تورگو دنیای عقلی

است. «کوندورسه» دیگر رجل فرهنگی در این خصوص می‌گوید: «استعداد انسان تا بی‌نهایت تکامل می‌یابد» از آنجا که طبیعت هیچ‌گونه حد و مرزی برای این پیشرفت بشر قایل نشده است، امکانات انسان و جامعه‌ی بشری بی‌پایان است.»

بنابراین برای درک عوامل پیشرفت انسان، هیچ نیازی به جستجوی علل اضافی و خارج از دایره‌ی طبیعت نیست، فرایند طبیعی حیات خود به خود او را به تکامل مغزی سوق داد. در این فرایند، مهم‌ترین علت همانا «نیاز» و «کار» بود. تقابل کار و نیاز خالق رشد آدمی گردید، هنگامی که بشر از نخستین پوست حیوان به عنوان پوشاک استفاده کرد، اولین نیزه‌ی ابتدایی را به کاربرد، یا نخستین شعله‌ی آتش را مهار کرد، یا تصادفاً اولین دانه را کاشت، از چنگال انتخاب طبیعی آزاد شده و به عنوان خالق ظهور کرد که قادر بود طبیعت را به میل خود به کار بگمارد. بدین ترتیب انسان توانست به میل خود غذای مورد نیازش را تأمین نماید. از همین است که دانشمندان به‌درستی به نقش دست‌ها در روند تکامل انسان پی برده‌اند. کار و تولید اهمیت قطعی در پروسه‌ی تکوین و تطور آدمی داشت، این تنها خصیصه‌ی افتراقی انسان با حیوان است، سایر تفاوت‌ها همه از آن ناشی می‌شوند.

این نکته جای بحث ندارد که: «کاروان نوع بشر از دیروز آمده، به سوی فردا در حرکت است» پاسخ به این پرسش که «دیروز او چگونه بوده است، فردایش چگونه خواهد بود» موضوع علم تاریخ و از مباحثات متعلق به فلسفه‌ی تاریخ است. به موجب براهین فلسفی و بدهیات ضروییه‌ی قابل ادراک، در تسلسل گذر آدمی در کوران زمان، هر نسل «یک قدم» محسوب می‌شود. بناءً نسل بعدی زمانی می‌تواند گامی استوارتر را بردارد که زیرسازهای مقدماتی آن توسط نسل قبلی (یا همان گام متقدم) درست فراهم آمده باشد.

به عبارت ساده: ثبت روی داده‌ها و واقعیت‌های امروز، همان تاریخ فردا را تشکیل می‌دهد، نسل‌های آینده از همین دریچه به گذشته‌های خود خواهند نگریست، آن را آیینیه‌ی تمام‌نما قرار داده و خود را در آن مشاهده خواهند کرد. در این راستا توصیف محض آن چه اتفاق می‌افتد، جالب است؛ ولی آموزنده نیست. بررسی روی داده‌ها تنها وقتی با «تقریر علل» تکمیل گردد، مثمر‌تر می‌شود. این جمله‌ی مهم را زیاد شنیده‌ایم

که «تاریخ معلم انسان‌ها است» زیرا دست ما را گرفته به اعماق زمان‌های گذشته و پهنه‌ی مکان‌های ناشناخته می‌برد، سلسله‌ی ناگستنی از روند گذشت زمان و کارکرد انسان در پهنه‌ی مکان به وجود آورده و از این رهگذر تجربیات گذشتگان را در اختیار آینده‌گان می‌گذارد و به آنها پینش روشن می‌بخشد، در حکایتی آمده است که:

«روزی، سلطانی به وزیرش دستور داد که ترتیبی دهد تا تاریخ دقیق دنیا از آغاز تاکنون به رشته‌ی تحریر درآید، سلطان می‌خواست با قرأت تاریخ تحریری، در جریان کلیه‌ی روی داده‌های جهان و سرگذشت شاهان و سلاطین قدیم قرار گیرد. وزیر هیأتی از عالمان و تاریخ نگاران تشکیل داد، همه‌گونه امکانات در اختیار آنان گذارد، تا بتوانند مجموع وقایع عالم را با تمام جزئیات بنویسند. اعضای هیأت مدت‌های مدید کار کردند، نوشتند و نوشتند تا سرانجام، تاریخ وقایع دنیا در یکصد هزار جلد کتاب قطور فراهم آمد. به وزیر خبر دادند که تاریخ عالم آماده شد. وزیر با خوشحالی و افتخار، خدمت سلطان شرفیاب شده و عرض کرد: «قبله‌ی عالم! فرمان ملوکانه انجام شده و کتاب‌ها آماده است. سلطان با ذوق تمام دستور داد: کتاب‌ها را بیاورید تا بخوانم؛ و با خود گفت: بالاخره خوب شد، حالا دیگر می‌فهمم که در این دنیا چه گذشته است. و سلاطین قدیم چگونه آدم‌های بوده‌اند، به چه نحوی سلطنت می‌کرده‌اند... وزیر عراده‌های سنگین آماده کرد، تمام آن کتاب‌ها را با سرعت در اتاق مخصوصی در قصر سلطان چید؛ کوهی از کتاب به وجود آمد. به سلطان خبر داد که همه چیز آماده هست.

سلطان وارد کتابخانه شد، تا چشمش به انبوه کتاب‌ها افتاد مبهوت و متحیر گردیده و گفت: این همه؟! یعنی تاریخ دنیا این قدر زیاد است؟

- من نمی‌توانم این همه را بخوانم، دستور بده تا خلاصه‌اش کنند. وزیر دستور داد تا یکصد هزار جلد کتاب را خلاصه کردند به ده هزار جلد؛ باز هم سلطان گفت زیاد است. به یک هزار جلد؛ باز هم گفت زیاد است، به ده جلد، یک جلد، یک فصل، یک صفحه؛ در نهایت سلطان به وزیرش گفت: «برو بگو همه را در یک جمله‌ی کوتاه خلاصه کنند.» تا ما با خواندن آن یک جمله بفهمیم که در این دنیا چه گذشته است. هیأت نویسندگان، آن یکصد هزار جلد کتاب قطور را به این یک جمله‌ی کوتاه خلاصه کردند: «آمدند و زحمت

کشیدند و رفتند.»

روشن است که از منظر علم و فلسفه «تاریخ» نه داستان‌پردازی و افسانه‌سرایی است؛ که دانش تجزیه و تحلیل علل وقایع و رخدادها می‌باشد. از همین رو «دیونسیوس» مورخ بزرگ ماقبل تاریخ «یونانی» گفته است: «تاریخ همان فلسفه است، اما با سرمشق‌های به کار می‌رود.» بر همین اساس مورخان یونان باستان اولین کسانی بودند که به دنبال ثبت وقایع و تجزیه و تحلیل روی دادها رفتند. آنها دایره‌ی علاقه‌ی خویش را فوق العاده وسعت بخشیده و تجزیه و تحلیل علت‌های حوادث گذشته را عمیق‌تر نمودند. مورخان یونان باستان سعی کردند مشاهدات دقیق را اساس تاریخ قرار دهند. آنها همکاران خود را فقط به حقیقت‌گویی دعوت می‌کردند. به همین سبب «سولسبری» می‌گوید: «مورخ باید پیوسته در پی کشف و درج حقیقت باشد، مورخان دروغ‌زن شهرت و اعتبار خود، و هم روح جاویدان حقیقت‌جویی را به نابودی می‌کشانند.»

در فلسفه ثابت است که تکرار عین یک پدیده از محالات قطعی است، هر پدیده‌ی مادی از وجوه کمی و کیفی خود تحت شرایط میلیون‌ها متغیر، تنها یک بار در امتداد زمان رخ می‌نماید؛ اما وقوع مشابهت‌ها در امتداد زمان و پهنه‌ی مکان از مقولات پذیرفته شده‌ی فلسفی است؛ آن چنان که «فوکیدید» می‌گوید: «کسانی که می‌خواهند اطلاعات روشن از گذشته داشته باشند، کاری بسیار درست می‌کنند، چون بنا به طبیعت انسانی ممکن است روزی وقایع گذشته در آینده به همان صورت، یا به صورت مشابه تکرار گردد؛ در آن صورت تاریخ برای آن‌ها به اندازه‌ی کافی مفید خواهد بود.» «گیچاردینی» - مورخ و فیلسوف مشهور فلورانس - از فوکیدید هم پا فراتر نهاده و طی سلسله مقالاتی در موضوع «امور سیاسی و شهروندی» می‌نویسد: «کارهای گذشته، آینده را روشن می‌کند، زیرا دنیا همواره یک جور بوده است. آن چه در گذشته بوده، برمی‌گردد، اما با نام‌ها و رنگ‌های دیگر؛ ولی این را هر کس نمی‌داند، بلکه متفکری که دقیقاً به آن می‌نگرد و می‌اندیشد، درک می‌کند.»

«ن.آ. یروفه یف» تاریخ‌شناس مشهور اتحاد جماهیر شوروی سابق، ضمن ایراد سلسله سخنرانی در دانشکده‌ی تاریخ دانشگاه دولتی مسکو - تحت عنوان «تاریخ

چیست؟» - می‌گوید: «مقایسه‌ی تاریخ با خاطره‌ی انسان مسلماً مبنای دارد؛ دانش گذشته برای جامعه همان قدر ضروری است که برای فرد. بنابراین حفظ وقایع گذشته در حافظه، مقام برجسته‌ی را در کار مورخ اشغال کرده و خواهد کرد. اما مسئولیت اساسی مورخ در عمل نه تنها کار جمع‌آوری و بازگویی حقایق است، بلکه جستجو و نقل تجربیات ارزش‌مند گذشته به معاصران خویش و آرایه‌ی دروس عبرت برای همگان است؛ به این می‌گوییم «تاریخ‌نگاری علمی» نقص تاریخ غیرعلمی عبارت از این است که این تجربه و درس، فوق‌العاده ساده تعبیر می‌شود.»

با عنایت به نکات یادشده، امید است این مجموعه بتواند به عنوان یک سند و مأخذ با اعتبار برای علاقه‌مندان و نسل‌های آینده‌ی ساکن در این نقطه از کره‌ی خاکی مفید افتد، بویژه از این باب است که این بار از اندوخته‌های ذهنی و تجارب ارزش‌مند نیروهای زبده‌ی بومی کمال استفاده به عمل آمده است، سزاوار است در همین جا از فرد فرد آن عزیزان، که اسامی‌شان در خلال صفحات کتاب مندرج است، صمیمانه اظهار سپاس و امتنان نمایم.

در این نوشته سعی بر آن بوده است تا هرکس به هر نحوی که در خدمت به هم‌نوع خود گام مفیدی برداشته است مورد توجه قرار گیرد. با این وجود، هرگز نمی‌توان مدعی شد که این یک اثر کامل و جامع در موضوع خود می‌باشد، قطعاً موارد و مطالب فراوانی باقی مانده است که به هر دلیل نسبت به درج آن ناموفق بودیم؛ پس بهتر است در همین جا اعتراف نماییم که: «این یک جزء از کل است» یا همان «مشت نمونه‌ی خروار». بدون تردید اشخاصی محقق و خبره‌ی فراوان در منطقه وجود دارند که در فرصت‌های آینده، کاری جامع‌تر و کامل‌تر آرایه خواهند نمود. در این وجیزه، علاوه بر خادمین اهلبیت عصمت و طهارت (ع) به جامعه‌ی ورزشی اهمیت ویژه داده شده است؛ از این باب است که ورزش و لذات پایدار آن و جدان بشری را بیدار می‌کند، روح آدمی را صفا می‌بخشد، غم‌ها و گرفتاری‌های زندگی را به ورطه‌ی فراموشی می‌سپارد، اراده را تقویت می‌کند و صفات عالی روحی چون صبر، بردباری، تواضع و گذشت، صداقت و درست‌کاری، هم‌نوع دوستی و کمک به دیگران را بارور می‌سازد؛ مسلماً احترام عموم مردم نسبت به

قهرمانان ورزشی صرفاً از این جهت نیست که آن‌ها دارای قدرت بازوی بیشتر هستند؛ بلکه قهرمانان به این سبب مورد احترام عموم افراد بشر هستند که هریک از آنان در عین این که قوی‌ترین افراد جامعه‌ی خود هستند، خاضع‌ترین، متواضع‌ترین و مهربان‌ترین آنان نیز می‌باشند. در تاریخ و فرهنگ ما «پهلوانی» و «جوانمردی» دو عنصر ملازم و تفکیک‌ناپذیر شناخته شده است. لذا ورزشکار و پهلوان هیچ‌گاه آن قدرت و توانایی خود را بی‌مورد به کار نمی‌برد. این صفت مخصوص ورزشکار است. هم‌چنین این روح بزرگ یک ورزشکار است که می‌تواند در مقابل شکست و پیروزی پایداری نماید، شکست‌ها او را از پادرنمی‌آورد، پیروزی‌ها هم او را از کوره به در نمی‌کند، جدا این روح بزرگ قابل تمجید و ستایش فوق‌العاده است.

سبک و سیاق و شیوه‌ی تدوین این مجموعه، از نوع آرایه‌ی گزارش عینی توسط یک سیاح بی‌طرف است که وارد منطقه شده، با اشتیاق به مطالعه و مقایسه می‌پردازد، از اولین آبادی تا آخرین روستا را قدم زده، با مردم سخن گفته، حرف‌های دل آنها را شنیده و با حوصله‌مندی و دقت نظر هرآن چه را که قابل ثبت می‌داند، به علاقه‌مندان و نسل‌های آینده گزارش می‌کند. باشد تا مورد قبول افتد.

والسلام

سید محمدرضا علوی

زمستان ۱۳۸۳